



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

به کارهای خودمان اعتماد نمی دهیم

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.
الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولين والآخرين،
مدد يا رسول الله، مدد يا ساداتي أصحاب رسول الله، مدد يا مشايخنا،
شيخ عبدالله الفائز الداغستاني، شيخ محمد ناظم الحقاني، دستور.
طريقتنا الصحبة والخير في الجمعية.

خدا را شکر که خداوند متعال ما را از امت محمد (ﷺ) خلق کرده است. یهودیت به عنوان یک دین بسیار سخت (سختگیرانه، جدی، شدید) است، یعنی که قانون الهی (شعریت) قوی است. آنها تا کنون تحت شریعت سخت زندگی می کنند. حتی در گذشته نیز سخت تر بود. اگر یک نفر در گذشته در یک روستا عبادت نکرد، کل روستا با خشم الله روبرو می شود و از بین می رود. سپس عیسی علیه سلام (عیسی مسیح) آمد و کمی نرمتر (شل تر) شد.

رحمت (مهربان) تر شد هنگامی که حضرت پیامبر مان (ﷺ) آمد. یهودیان در طول شش ماه روزه می گرفتند. هنگامی که حضرت پیامبر مان (ﷺ) در اسراء (شبانه سفر دادن) و معراج (بالا رفت) رسید، ما ها پنجاه بار [هر روز] باید نماز می خواندیم. او با موسی علیه سلام در بهشت ملاقات کرده بود. وقتی او آمد و از او پرسید، "پروردگارت چه هدیه ای را برایت داد؟" او گفت: "پنجاه بار نماز" گفت: "آنها نمیتوانند آن را تحمل کنند. امت من هم نمیتواند آن را تحمل کنند. تو بنده محبوب الله هستی. کمتر بخوانید (خواهش کنید). (پیامبر) گفت، "چهل و پنج." هنوز نمی توانند تحمل کنند. آنها می توانند آن را تحمل نکنند، (موسی علیه سلام) گفت. آن را پنج تا پنج کمتر کردند تا فقط به پنج بار رسید. موسی علیه سلام گفت، "آنها نیز نمی توانند پنج بار را تحمل کنند." نه، من شرمند می شوم [اگر کمتر خواهش کنم]. من نمی توانم جلو الله بروم، استاد مان (ﷺ) گفت. بنابراین انقدر رحمان (مهربان) الله عز و جل با امت محمد بود. او بار ما را برای افتخار حضرت پیامبر مان (ﷺ) به ما تحمیل کرد. او آن را روشن کرد، اما اگر (ما) با کارهای خودمان کنار بیاییم، هنوز برای (ما) سخت است.

روز بعدی که از قبرس آمدیم، یک کیسه پلاستیک را پر از خیلی کتاب کردم و آنها را با برادران فرستادم؛ زیرا سنگین بودند [برای کمک کردن تان]. این دو ماه در درگاه باقی مانده است و من فرصتی نداشتم که آن را در بیورم. هنگامی که آن ها را همینطوری در آوردم، یک کتابچه را پیدا کردم. در ده آخرین فصل ها، بچه ها یک تفسیر با اطلاعات مفید نوشتند. من آن را باز کردم و آنچه می دانید چیست؟ یک کتاب از یکی از معروف ترین ها. هیچ احترامی به هیچ کس جود ندارد. اگر می گویند "برای افتخار حضرت پیامبر مان (ﷺ)"، گناه و شرک است. اگر به قبر ها زیارت کنید، این شرک است. هیچ چیزی به عنوان یک شب مقدس وجود ندارد. نه شب ملوید (مولود)، نه شب اسراء و معراج، نه شب قدر، می



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

گویند. در حالی که همه آنها در قرآن نوشته شده است. نه ۱۵ شعبان. می گویند که هیچ شب مقدسی وجود ندارد.

خوب، ما درک می کنیم، هر کس مسئول عمل های خودش است و هیچ کس نمی تواند شفاعت کند، می گوید. می گوید هیچ چیز به انواع شفاعت وجود ندارد. در حالی که حضرت پیامبر مان (ﷺ) "الشفیع المشفع" است. او هم شفاعت می کند و هم از الله شفاعت خواش می کند. بررسی کنید، (ما) همه این ها را درک می کنیم، این ها نشان می دهد که چقدر این نویسندگان با یکدیگر متفاوتند. آنها می گویند آنها این کار را انجام داده اند و به صراط آمده اند (پل که بالای جهنم). می گوید که در صراط ۹۹۹ میافتند و یک رد می شود. چه اتفاقی می افتد؟ یک پل دیگر وجود دارد. آنها آن را با توجه به ذهن خودشان در اینجا تفسیر کردند.

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ

"(به خاطر بیاورید) روزی را که ساق پاها (از وحشت) برهنه می گردد" (سوره القلم: ۴۲). ساق پاها ظاهر خواهد شد، آشکار خواهد شد. و آن ساق پاها چیست؟ ساق پاها الله است. این نمی تواند بدتر شود! آنها واقعی جهنمی هستند؛ آنها در جهنم سقوط خواهند کرد. [آنها می گویند] سپس متوجه خواهند شد که این الله است و رد می شوند.

بیمغز (بی کله، احمق)! چه کار می توانیم انجام دهیم اگر الله به آنها مغز نداده است؟ (ما) این احمق اسحاق را داریم و آن یکی روز گفت، "عقل من سلیم نیست، آنها به من دارو را در بیمارستان می دهند." "نه،" گفتم: "برای هر بیماری، برای همه بیماری ها درمان وجود دارد، جز احمق بودن." هیچ چیزی وجود ندارد اگر شما یک احمق هستید. الله برای سرطان، برای دیابت، و برای هر چیز دیگری جز احمق بودن، درست کرده است. آنها می گویند، "احمق بودن باعث شد دکتر ادامه نداد (تسلیم شد، ول کرد)." آنها نیز احمق هستند. چونکه بسیاری از مردم، همه مردم دارند در جهنم سقوط می کنند، چرا هفت جهنم وجود دارند؟ این را نیز نوشته اند. هفت جهنم و هشت بهشت وجود دارند. بنابراین افرادی که به بهشت می روند، بیشتر هستند.

به یک معنا درست است، به این معنی که اگر مردم با کارهای خودشان باقی بمانند، اگر آنها فقط با آنچه که انجام داده اند باقی بمانند، ۹۹۹ در آنجا سقوط خواهند کرد. آنها در جهنم سقوط می کنند، بنابراین آنها این را می دانند. الله نیز راه نجات را برای این نشان داد. او (ﷺ) گفت که این شفاعت حضرت پیامبر مان (ﷺ)، شفاعت اولیاء (حضرت ها، دوستان الله)، توبه مردم و احترام به چیزهایی که الله دوست دارد. این شبهای مقدس که الله به مردم عطا کرد، زمان های توبه هستند. الله در آن شبها میلیون ها نفر را می بخشد. او باعث است که میلیون ها نفر که به جهنم بسته اند، به بهشت بسته شوند. به همین دلیل است که در یک معنا این درست است، اما آنها هم این را نمی دانند.



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

بنابراین اگر مردم با کارهای خودشان باقی بمانند، آنچه که آنها می گویند رست است، همه ما به جهنم می رویم. با این حال، (ما) به کارهای خود و آنچه که انجام داده ایم اعتماد نکنیم. آنچه که (ما) بهش اعتقاد داریم از امت پیامبر مان (ﷺ) بودن است، احترام به گذاشتند و او را دوست داشتند. می گوید "مردم با کسانی هستند که دوست دارند". این احمق ها می خواهند این عشق را از درون ما بردارند. آنها می خواهند این احترام را از میان امت مان در بیاورند تا بتوانند همه شان با هم به جهنم بروند. در آن زمان شیطان خوشحال خواهد شد و آن زمان لذت خواهد برد. مردم پس از آن پشیمان خواهند شد.

پناه بر الله، همانگونه که می گویم؛ کسانی که چند کلمه را می شنوند، آن را در تلویزیون می شنوند. اکنون خیلی ها هستند که در تلویزیون ظاهر می شوند. آنها می گویند: "مراقب باشید از شیخ ها که ایمان دارند!" آنها اول با طریقت ها و با شیخ ها شروع می کنند. "طریقت ها نامرد هستند. طریقت ها بی فایده هستند. آنها می گویند که دین (مذهب) از آنها نیاز ندارد." سپس آنها با مذهب ها (مدارس های فقه) شروع کردند. آنها می گویند: "هیچ چیزی به انواع یک مذهب وجود ندارد. هر کس می تواند هر چه دوست دارد انجام دهد." آنها مذهب ها را از بین بردند و اکنون آنها شروع کردند به اصحاب (صحابه) را قبول نکردند. در حال حاضر آنها حدیث ها را قبول نمی کنند. در نهایت آنها قرآن را قبول نمی کنند! این جایی است که آنها پایان خواهند رسید. راه دیگری وجود ندارد. پناه بر الله.

(ما) می گوئیم "الله به آنها شعور (حواس، فهم، خرد، منطق) و عقل (هوش) عطا کند،" زیرا همانطور که گفتیم آنها نگاه نمی کنند اگر می توانند با پزشکی درست شوند و چه چیزی نمی تواند (درست شود). چونکه استبداد بزرگترین شاخص کفر است. شخص ظالم (جبر) به کسی گوش نمی دهد، به کسی گوش نمی دهد و بیش از حد انتقادی می کنند. در مسلمان هیچ استبداد وجود ندارد. او با حقیقت خوشحال است، او حقیقت را می پذیرد و عدالت را می پذیرد. آنها می گویند: "انگشتی که با شریعت قطع می کند، آسیب نمی رساند (اذیت نمی کند)." معنای این است که (ما) می پذیریم و (ما) لجاجت (سخت، لجوج) نیستیم. انشاءالله خداوند این عشق را در ما افزایش دهد، و مردم ما در این راه باشند. انشاءالله خداوند به اسلام کمک کند و کافر از بین رود.

و من الله التوفیق.
الفتاحه

حضرت شیخ محمد محمت ربّانی
۹ جمادی اول ۱۴۳۹، درگاه اکبابا، پس از حضره